

رابطه بین هوش هیجانی و میزان عشق در دوران کرونا

سحر شریف فر^۱

۱. دانش‌آموخته مقطع کارشناسی دانشگاه البرز آبیک، ایران. (نویسنده مسئول)

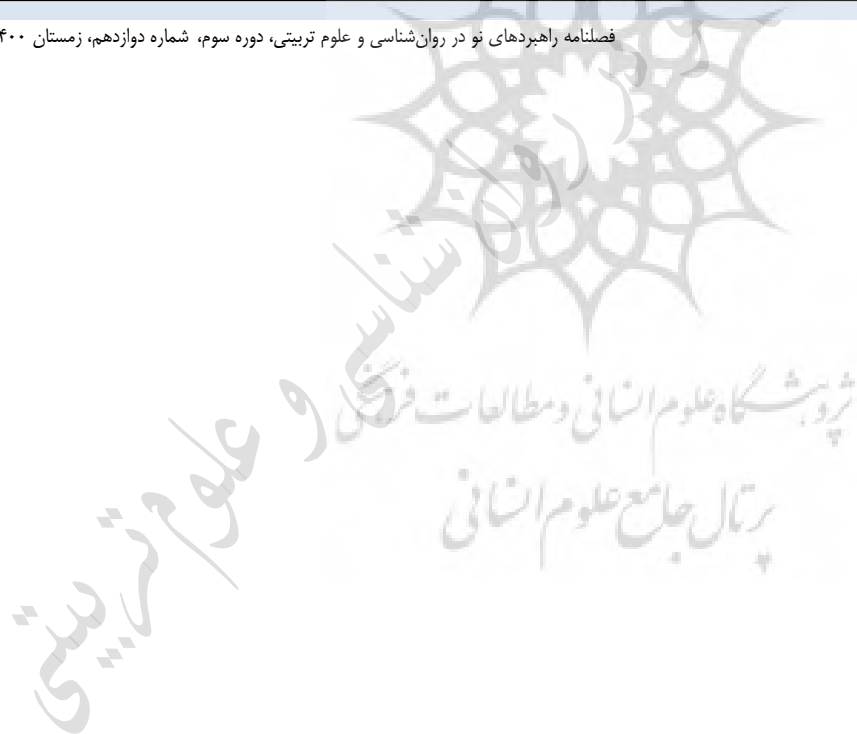
فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره سوم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۴۰۰، صفحات ۱۷۱-۱۶۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین هوش هیجانی و میزان عشق در دوران کرونا بود که با روش کمی از نوع همبستگی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش، زنان و مردان متأهل و مجرد ۲۰ تا ۴۵ ساله با مدرک تحصیلی دیپلم تا دکتری در تهران، کرج، اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز بود که تعداد ۱۰۰ نفر زن و مرد به صورت در دسترس انتخاب شدند. روش جمع‌آوری اطلاعات غیر تصادفی از نوع در دسترس بود که به دلیل بیماری کرونا پرسشنامه‌ها از طریق سایت پرسال به صورت لینک طراحی و از طریق یکی از فضاهای مجازی توزیع گردید. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه رگه هوش هیجانی شوت و مقیاس عشق مثلثی استرنبرگ بود که در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی و عشق رابطه معنادار وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، عشق، کرونا.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره سوم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۴۰۰



مقدمه

در دنیای امروز عشق و داشتن رابطه عاشقانه نه تنها ضرورت بلکه حق طبیعی همه آدم‌هاست. همه‌ی انسان‌ها نیاز دارند حس مهم بودن و عشق را داشته باشند. همه‌ی انسان‌ها نیاز دارند که حس کنند برای دیگری ارزشمند هستند و در یک رابطه عاشقانه شریک عاطفی برایش ارزش قائل بوده و برای او فرد مهمی است. از لحظه‌ای که متولد شدیم و حتی قبل از آن، طبیعت برای ما زمینه عشق‌ورزی مادر را فراهم آورده است. بدون عشق، زنده ماندن ما غیرممکن به نظر می‌رسد. ارتباط ما با «مادر» اولین درک ما از عشق است. عشق مادر مترادف مراقبت، حمایت و پرورش کودک است. همان‌طور که در جریان زندگی پیشرفت می‌کنیم یاد می‌گیریم که عشق به معنی حفظ و مراقبت از آسایش خودمان و دیگری است. عشق برای زنده ماندن نیاز به نگهداری و مراقبت هرروزه دارد و این مهم از طریق درک نیازها و احساسات طرفین امکان‌پذیر است (نگارنده). فرضیه انتخاب این‌طور بیان می‌کند که این رابطه نیست که باعث ارتقا سلامت روان‌شناختی می‌شود، بلکه این سلامت روان است که احتمال انتخاب فردی که بتوان با او تجربه رابطه عاشقانه را داشت افزایش می‌دهد. فرضیه دیگر، فرضیه تجربه است که نشان می‌دهد تجربه ازدواج با سلامت روان مرتبط است. قوی‌ترین شواهد برای این فرضیه مطالعات زیادی است که نشان می‌دهد کسانی که در یک رابطه عاشقانه سالم و راضی‌کننده هستند سلامت روان بهتری را تجربه می‌کنند (برید ویت، هولت-لونستاد، ۲۰۱۷). تحقیقات نشان می‌دهد که در دنیای امروز بیشترین علت ازدواج و طلاق، وجود یا فقدان عشق می‌باشد. در گذشته شاید عوامل اقتصادی، نیازهای جنسی یا صلاح‌دید والدین عامل اصلی ازدواج بود، اما با رواج صنعت و دموکراسی در جوامع توسعه‌یافته و حتی در حال توسعه، عشق و داشتن یک رابطه عاطفی سالم که می‌تواند نیاز هر شخصی باشد مبنای اصلی ازدواج شده است (هدایتی، ۱۳۹۸).

از طرفی یکی از عوامل روان‌شناختی که نقش مؤثری در سلامت و کیفیت روابط عاشقانه دارد هیجان است. هوش هیجانی در روابط عاطفی به شناسایی و ادراک احساسات خود و شریک عاطفی کمک می‌کند و سبب می‌شود فرد بتواند احساسات و هیجانات خود را تنظیم نماید که این از طریق مجموعه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌های ارتباطی و هیجانی حاصل می‌شود و باعث افزایش موفقیت فرد در زمان مقابله با فشارها و شرایط استرس‌زا در رابطه عاطفی یا چالش‌های زندگی شخصی می‌گردد (رضایی فر و همکاران ۱۳۹۹). مؤلفه‌های هوش هیجانی از طریق ادراک عاطفی طرفین در رابطه عاشقانه می‌تواند منجر به بهبود هیجانات ناخوشایند یا درک و پرداختن به هیجانات خوشایند شریک عاطفی شود و این مهم در روابط عاشقانه به بهبود رابطه عاطفی و عمیق‌تر شدن عشق بینجامد. در بسیاری از مواقع عدم درک هیجانات شریک عاطفی موجب دل‌سردی و کمرنگ شدن عشق می‌شود و دل‌زدگی عاطفی را در رابطه ایجاد می‌کند (به نظر نگارنده). دل‌زدگی در یک رابطه عاشقانه هنگامی بروز می‌کند که فرد متوجه می‌شود علی‌رغم تمام تلاش‌ها برای داشتن یک رابطه عاطفی سالم، رابطه عاطفی‌اش به زندگی معنا نداده و نخواهد داد. عشق که در شروع رابطه بسیار نمایان بود به تدریج رنگ می‌بازند و به همراه آن احساس خستگی عمومی عارض می‌شود. در شدیدترین نوع آن، دل‌زدگی برابر است با فروپاشی رابطه عاطفی است. هنگامی که عشق در رابطه صمیمانه کمرنگ می‌شود، انرژی عشق به آزرده‌گی و خشم تبدیل می‌شود و در نتیجه، منازعات فراوان، انتقادهای مکرر، پناه بردن به سکوت، سردی عاطفی طرفین، عدم همراهی عاطفی و لاینحل ماندن مشکلات را پدید می‌آورد (زارع باغ بیدی و اعتمادی فرد، ۱۳۹۹).

پژوهش حاضر در منظر هدف از نوع بنیادین می‌باشد. ضرورت این پژوهش به این جهت است که در دنیای امروز روابط عاطفی دچار پیچیدگی‌های بسیار شده است و به همین علت اهمیت چنین پژوهشی در این مقطع زمانی بسیار احساس می‌شود تا بتوانیم با درک اهمیت هوش هیجانی در روابط عاشقانه تمرکز بیشتری بر آموزش این مهارت‌ها داشته باشیم و کمک کنیم که روابط عاشقانه بادوام‌تر و دل‌چسب‌تر شود و از دل‌زدگی و فروپاشی رابطه عاطفی به دلیل عدم درک احساسات و هیجانات شریک عاطفی جلوگیری شود (به نظر نگارنده). صلاحی، قلی زاده (۱۳۹۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که با توجه به پژوهش انجام‌شده این مطلب که افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند، عاشق‌تر هستند و در روابط عاشقانه خود بهتر عمل کردند و می‌توانند روابط مؤثرتری داشته باشند، مشخص شد. رفیعی نیا، اصغری (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که عشق به‌سادگی موجب شادکامی نمی‌شود و رابطه بین عشق و بهزیستی یک رابطه چندبعدی است. حفاظی طریقه، فیروزآبادی، حق‌شناس (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط بین اجزاء عشق و رضایتمندی زوجی به این نتیجه رسیدند که مقیاس سه‌گانه استرنبرگ برای عشق به‌عنوان ابزاری پایا و روا قابلیت پیش‌بینی رضایتمندی زوجی را دارا است و جزء صمیمیت، مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده رضایت از رابطه محسوب می‌شود. بهزاد، امانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های عشق‌ورزی در زندگی زناشویی به این نتیجه رسیدند که ریشه‌های تحولی شخصیت نقش مؤثری در تعاملات عاطفی بین افراد به‌ویژه در زندگی زناشویی ایفا می‌کند. داورنیا، همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی و هوش هیجانی با انواع عشق در زوج‌ها به این نتیجه رسیدند که هوش هیجانی با ابعاد عشق، رابطه معنی‌دار دارد و سبک‌های دل‌بستگی نمی‌توانند ابعاد عشق را پیش‌بینی کنند. رضایی‌فر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان مقایسه آموزش مؤلفه‌های هوش هیجانی بر میزان هوش هیجانی دانشجویان گروه‌های علوم پزشکی و غیرپزشکی به این نتیجه رسیدند که آموزش مؤلفه‌های هوش هیجانی سبب افزایش هوش هیجانی در بین دانشجویان می‌شود که برنامه ریزان درسی، می‌توانند سرفصل‌هایی باهدف آموزش هوش هیجانی به دانشجویان در رشته‌های علوم پزشکی تدوین نمایند. اشرفی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان نقش هوش هیجانی و ابعاد شخصیت در پیش‌بینی مؤلفه‌های اهداف پیشرفت به این نتیجه رسیدند که ابعاد شخصیت و هوش هیجانی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده خوبی برای اهداف پیشرفت دانشجویان باشند.

اوگورلو (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان بررسی فرا تحلیلی هوش هیجانی در افراد با استعداد به این نتیجه رسید که در افراد با استعداد زمانی که هوش هیجانی‌شان بر اساس توانایی‌هایشان سنجیده می‌شود هوش هیجانی بیشتری دارند.

مورن، بیولیک مورن (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان ویژگی هوش هیجانی و تجربیات هیجانی در طی شیوع همه‌گیر COVID-19 در لهستان به این نتیجه رسیدند که ویژگی هوش هیجانی به میزان قابل‌توجهی شدت پایین خشم، انزجار و اندوه را در هفته اول همه‌گیری COVID-19 پیش‌بینی کرد. خصیصه هوش هیجانی شدت کمتری از ترس، اضطراب و غم را پیش‌بینی کرد. این مطالعه پویایی پیچیده‌ای از تجربیات هیجانی را در طول هفته اول بیماری همه‌گیر COVID-19 نشان داد. حالات مثبتی از آرامش و شادی در مقایسه با احساسات منفی غالباً بیشتر و با شدت بیشتر تجربه می‌شدند. نقش محافظتی ویژگی هوش هیجانی در دوره شیوع همه‌گیر COVID-19 عمدتاً با احساسات منفی (ترس، اضطراب و اندوه) با شدت کمتر همراه است. کولا، پارتین، پرسن (۲۰۲۰)

در پژوهشی با عنوان هیجان‌ات مربوط به عشق رمانتیک-بیشترین مختل‌کننده خواب نوجوان به این نتیجه رسیدند که عشق رمانتیک یکی از دلایل خواب کوتاه یا خواب بدون کیفیت در دختران است. ممکن است علائم افسردگی و اضطراب در هر دو جنس شرح داده شود. با این حال احساس شیفتگی مراحل مهم رشد می‌باشد. واتکین، بکمیر و جانتون (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان ارزیابی باورهای بزرگسالان جوان در مورد اهمیت روابط عاشقانه به این نتیجه رسیدند که معیار مختصر اهمیت رابطه، ارزیابی قابل اعتماد و معتبری از نگرش روابط عاشقانه بزرگسالان ارائه می‌دهد. اسپرچر و میتس (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان باورهای عاشقانه: تأثیر آن‌ها بر روابط و الگوهای تغییر در طول زمان، به این نتیجه رسیدند که مهارت‌های برقراری ارتباط، تعیین‌کننده اصلی سازگاری زناشویی و روابط متقابل زناشویی است و بسیاری از مشکلات زناشویی، ناشی از سو تفاهم و ارتباط غیر مؤثر است که نتیجه‌ی آن احساس ناکامی و خشم به خاطر عدم برآورده شدن نیازها و خواسته‌های زن و شوهر در زندگی زناشویی است.

استاورووا و اهلبراخت (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان یک تحلیل طولی از شکل‌گیری رابطه عاشقانه: تأثیر رفتار اجتماعی، به این نتیجه رسیدند که افراد مجردی که غالباً رفتارهای اجتماعی مناسب داشته‌اند، به‌طور قابل توجهی شانس بیشتری برای داشتن یک رابطه پایدار در سال‌های بعد دارند. کته و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان هوش هیجانی و ظهور رهبری در گروه‌های کوچک به‌طور کلی هوش هیجانی و تعدادی از ابعاد آن با ظهور رهبری بیش‌ازحد هوش شناختی، ویژگی‌های شخصیتی و جنسیت مرتبط است. از جمله ابعاد هوش هیجانی، توانایی درک احساسات بیشترین ارتباط را با ظهور رهبری داشت.

در این پژوهش به دنبال این هستیم که رابطه بین هوش هیجانی با میزان عشق در روابط عاطفی را بسنجیم. با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده و پیشینه پژوهشی در زمینه هوش هیجانی و رابطه آن با میزان عشق، مشخص شد که مطالعات اندکی رابطه بین هوش هیجانی و عشق را سنجیده‌اند و به این جهت این پژوهش در پی این است که مشخص کند که آیا بین هوش هیجانی با میزان عشق در روابط عاطفی رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کمی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش، زنان و مردان متأهل و مجرد ۲۰ تا ۴۵ ساله با مدرک تحصیلی دیپلم تا دکتری در تهران، کرج، اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز می‌باشد که تعداد ۱۰۰ آزمودنی در سال ۹۹ به‌عنوان نمونه انتخاب شده است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی و در دسترس برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه رگه هوش هیجانی پترایدز و فارنهام، (۲۰۰۶) و مقیاس عشق مثالی استرنبرگ بود که در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت. پرسشنامه رگه هوش هیجانی پترایدز و فارنهام یک مقیاس خود سنجی است. فرم اصلی و نخستین آن دارای ۱۴۴ ماده و ۱۵ زیر مقیاس است. فرم کوتاه این پرسشنامه از ۳۰ ماده تشکیل شده است. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای است و آزمودنی به هر سؤال در یک مقیاس هفت‌درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم نمره داده می‌شود (گویه‌هایی که معکوس نمره‌گذاری می‌شوند شامل ۲ و ۴ و ۵ و ۷ و ۸ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۸ و ۲۲ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۸) می‌باشد.

نتایج تحلیل عاملی به روش بیشینه درست‌نمایی نشان دادند که پرسشنامه رگه هوش هیجانی (پترایدز و فارنهام، ۲۰۰۱) از چهار عامل درک و ارزیابی عواطف خود و دیگران، خوش‌بینی، خودآگاهی و مهارت‌های اجتماعی تشکیل شده است و عوامل عمده

موجود در ساخت نظری، سازه هوش هیجانی را می‌سنجد. همبستگی‌های بالا بین نمره‌های دو مقیاس باهوش هیجانی، روایی همگرایی آن را تأیید کردند. اعتبار مقیاس با روش‌های همسانی درونی و بازآزمایی به ترتیب برابر با ۰,۷۶ به دست آمد. نتایج نشان دادند نمره‌های هوش هیجانی دختران بیشتر از پسران است اما تفاوت بین دوره‌های تحصیلی و تعامل آن با جنس در هوش هیجانی معنادار نیست.

پرسشنامه عشق مثلثی توسط استرنبرگ طراحی شده که این پرسشنامه شامل ۴۵ سؤال و ۹ گویه (۱= اصلاً، ۵= به‌طور متوسط، ۹= به‌طور کامل و از بقیه اعداد بین ۱ و ۹، بر اساس سطح موافقت با جملات تعیین می‌شوند). مقیاس عشق مثلثی استرنبرگ بر این اساس تهیه شده است که عشق از سه عنصر تشکیل می‌شود: صمیمیت، هوس و تعهد؛ بنابراین در این مقیاس سه نتیجه متفاوت خواهید داشت، ۱۵ جمله اول صمیمیت ۱۵ جمله بعدی، هوس؛ ۱۵ جمله آخری تعهد را منعکس می‌کند. در این آزمون پایایی به روش بازآزمایی ۰/۷۰ و روایی باهمبسته کردن با آزمون‌های مشابه ۰/۸۰ محاسبه شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده می‌شود. در روش آمار توصیفی از شاخص‌هایی نظیر نما، میانه، میانگین، واریانس، انحراف معیار و جداول و نمودار استفاده می‌گردد و در روش آمار استنباطی از روش آماری همبستگی استفاده می‌شود و برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری spss-26 استفاده شده است.

یافته‌ها

جدول ۱ میانگین، انحراف معیار و حداقل و حداکثر متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
هوش هیجانی	۱۵۱/۳۶۰	۱/۸۴	۱۰۲	۲۰۰
عشق	۱۴۹/۲۸۰	۷/۳۴	۴۵	۳۷۰

جدول ۲. اطلاعات توصیفی آزمودنی‌ها

جنسیت	درصد	سطح تحصیلات	درصد	تاهل	درصد
مرد	۴۷	دکتری	۵	مجرد	۲۴
زن	۵۳	فوق لیسانس	۲۹	متاهل	۷۶
		لیسانس	۴۳		
		فوق دیپلم	۱۰		
		دیپلم	۱۳		

جدول ۳. همبستگی بین هوش هیجانی و عشق

متغیر	sig	r
همبستگی بین هوش هیجانی و عشق	۰/۰۱۱	۰/۲۵۴

در جدول ۳ همبستگی بین هوش هیجانی و عشق نشان داده شده است که با توجه به یافته‌های به دست آمده، مقدار sig به دست آمده برابر است با ۰,۰۱۱ می‌باشد و این عدد از ۰,۰۵ کوچک‌تر است لذا بین هوش هیجانی و عشق رابطه معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی و عشق در دوران کرونا انجام شد و یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه مثبت معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. یافته‌های به دست آمده در پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های انجام شده شباهت‌ها و تفاوت‌هایی از لحاظ جامعه، نمونه آماری، شیوه اجرا، مؤلفه‌های مورد مطالعه و نتایج آن‌ها داشت. در پژوهشی تفرجی و یوسفی (۱۳۹۹) با عنوان رابطه هوش هیجانی با نشاط ذهنی نقش واسطه‌ای خود دلسوزی به این نتیجه رسیدند که با تقویت هوش هیجانی می‌توان موجبات ارتقای خود دلسوزی دانشجویان و در نتیجه نشاط ذهنی آن‌ها را فراهم آورد. در این پژوهش با توجه به اینکه مؤلفه هوش هیجانی مشترک می‌باشد و اینکه هر دو پژوهش معنادار شده است، می‌توان گفت بین هوش هیجانی، عشق و نشاط ذهنی رابطه وجود دارد. پژوهش فوق رابطه بین هوش هیجانی و نشاط ذهنی را بررسی کرده در صورتی که پژوهش حاضر رابطه بین هوش هیجانی و عشق می‌باشد. همچنین این دو پژوهش از جهت جامعه آماری باهم متفاوت می‌باشند.

در پژوهشی بهرامی، مقدری و روشنایی (۱۳۹۶) با عنوان بررسی رابطه هوش هیجانی با راهکارهای مقابله با استرس در دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال ۱۳۹۶ به این نتیجه رسیدند که بین نمره هوش هیجانی دانشجویان و راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار ارتباط مستقیم و معناداری وجود داشت و آموزش مهارت‌های هوش هیجانی می‌تواند باعث انتخاب راهکارهای مقابله‌ای کارآمد به منظور کاهش استرس در دانشجویان شود. در این پژوهش با توجه به اینکه مؤلفه هوش هیجانی مشترک می‌باشد و اینکه هر دو پژوهش معنادار شده است، می‌توان گفت بین هوش هیجانی، عشق و کاهش استرس رابطه وجود دارد. پژوهش فوق رابطه بین هوش هیجانی و کاهش استرس را بررسی کرده در صورتی که پژوهش حاضر رابطه بین هوش هیجانی و عشق می‌باشد. همچنین این دو پژوهش از جهت جامعه آماری باهم متفاوت می‌باشند.

در یک پژوهش کریمی، دنیوی، راه‌نجات و کیانی مقدم (۱۳۹۶) با عنوان رابطه معنویت‌گرایی با عشق‌ورزی و الگوی ارتباطی زوجین به این نتیجه رسیدند که با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت هرچقدر اعتقادات معنوی، خودآگاهی، نیازهای معنوی و فعالیت معنوی بالاتر باشد، به دنبال آن هم عشق‌ورزی زوجین بالاتر است و زوجین در ایجاد رابطه سازنده متقابل و کاهش رفتارهای اجتنابی ناسالم بهتر عمل می‌کنند. در این پژوهش رابطه بین عشق‌ورزی زوجین با هوش معنوی بررسی شده است که عشق یکی از مؤلفه‌های مشترک با پژوهش حاضر می‌باشد و از آنجایی که رابطه عشق‌ورزی و معنوی‌گرایی رابطه معناداری می‌باشد پس می‌توان گفت بین هوش هیجانی و معنویت‌گرایی، عشق‌ورزی رابطه وجود دارد. این پژوهش از حیث جامعه آماری متفاوت می‌باشند.

رفیعی و جمهری (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان رابطه خیانت زناشویی و سبک‌های عشق‌ورزی با رضایت جنسی زوجین از یکدیگر به این نتیجه رسیدند که بین عشق و تداوم رابطه عاشقانه، رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود داشت و هر چه قدر عشق و علاقه بین زوجین بیشتر شود، آنان از تعهد و رضایتمندی بیشتری برخوردار خواهند بود. مؤلفه مشترک این پژوهش با پژوهش حاضر عشق است که ارتباط مثبت و معناداری با تداوم رابطه عاطفی برای آن نتیجه‌گیری شده است و با توجه به این که در پژوهش حاضر بین هوش هیجانی و عشق رابطه معناداری وجود دارد می‌توان گفت افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند عشق و روابط عاطفی بهتری را تجربه می‌کنند و با توجه به اینکه در این پژوهش مؤلفه عشق رابطه معناداری با تداوم رابطه عاطفی دارد بین هوش هیجانی، عشق و تداوم رابطه عاطفی وجود دارد. جامعه آماری این پژوهش با پژوهش حاضر متفاوت می‌باشد.

کرمانی مامازندی و رضایی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان پیش‌بینی شادکامی زوجین بر اساس هوش معنوی و سبک‌های عشق‌ورزی: نقش واسطه‌ای سازگاری زناشویی به این نتیجه رسیدند که متغیر هوش معنوی اثر غیرمستقیمی بر شادکامی زوجین ندارد درحالی که سبک‌های عشق‌ورزی به واسطه سازگاری زناشویی با شادکامی زوجین رابطه دارد. در مجموع، نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که سازگاری زناشویی، نقش واسطه‌ای در پیش‌بینی شادکامی زوجین بر اساس هوش معنوی و سبک‌های عشق‌ورزی دارد. در این پژوهش نشان داده شد که سبک عشق‌ورزی با شادکامی زوجین رابطه دارد و از آنجایی که در پژوهش حاضر بین هوش هیجانی و عشق رابطه معناداری وجود دارد می‌توان گفت افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند عشق بیشتر و شادکامی بهتری را تجربه می‌کنند. جامعه آماری این پژوهش با پژوهش حاضر متفاوت می‌باشد.

به‌طور کلی در تبیین این یافته می‌توان گفت که این‌طور می‌توان بیان کرد که افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند در روابط عاشقانه می‌توانند بهتر عمل کنند و رابطه عاطفی بهتری با شریک عاطفی‌شان داشته باشند.

منابع

- اشرفی، کوثر؛ کاوسیان، جواد؛ کدیور، پروین؛ کریمی، کامبیز. (۱۳۹۸). نقش هوش هیجانی و ابعاد شخصیت در پیش‌بینی مؤلفه‌های اهداف پیشرفت. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۲۰(۴)، ۱۱۲-۱۰۱.
- بهرامی، جلال؛ شیما، مقدری کوشا؛ روشنایی، قدرت الله. (۱۳۹۷). بررسی رابطه هوش هیجانی با راهکارهای مقابله با استرس در دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال ۱۳۹۶. *ماهنامه علمی-پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۱۲(۴)، ۸۵-۷۷.
- بهزاد، داوود و امانی، احمد. (۱۳۹۴). مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های عشق‌ورزی در زندگی زناشویی. *اجلاس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی*.
- تفرجی، اسما؛ یوسفی، فریده. (۱۳۹۹). رابطه هوش هیجانی با نشاط ذهنی: نقش واسطه‌ای خود دلسوزی. *فصلنامه علمی پژوهشی علوم روان‌شناختی*، ۲۰(۹۸)، ۲۹۴-۲۸۳.
- حفاظی طرهبه، میترا؛ فیروزآبادی، علی؛ حق‌شناس، حسن. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین اجزا عشق و رضایتمندی زوجی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۱۶(۵۴)، ۹۹-۱۰۹.

- داورنیا، اعظم؛ حمیدی پور، رحیم؛ اصغر نژاد فرید، علی اصغر. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی و هوش هیجانی با انواع عشق در زوج‌ها. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۹(۳)، ۲۹-۳۸.
- رضایی فر، مریم؛ نیکنامی، مهرداد؛ آزادیان، مرضیه؛ صاحب‌الزمانی، محمد. (۱۳۹۹). مقایسه آموزش مؤلفه‌های هوش هیجانی بر میزان هوش هیجانی دانشجویان گروه‌های علوم پزشکی و غیرپزشکی. *فصلنامه‌ی مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش علوم پزشکی*، ۱۱(۱)، ۷۴-۸۵.
- رفیعی، شبنم؛ جمهری، فرهاد. (۱۳۹۸). رابطه خیانت زناشویی و سبک‌های عشق‌ورزی با رضایت جنسی زوجین از یکدیگر. *انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ۱۰(۱۰)، ۱۷۰-۱۵۸.
- رفیعی‌نیا، پروین و اصغری، آرزو. (۱۳۸۶). رابطه بین انواع عشق و بهزیستی ذهنی در دانشجویان متأهل. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳(۹)، ۴۹۲-۵۰۱.
- زارع باغبیدی، محبوبه و اعتمادی فرد، اعظم. (۱۳۹۹). تعیین نقش واسطه‌ای مهارت ارتباطی در رابطه بین ناگویی هیجانی و دل‌زدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۰(۳۸)، ۱۵۰-۱۳۵.
- صلاحی، علی‌اکبر و قلی‌زاده، زهرا. (۱۳۹۹). رابطه بین هوش هیجانی و عشق دانشجویان دانشگاه یادگار امام خمینی (ره) - شهرری. *فصلنامه روانشناسی و علوم رفتاری ایران*، ۵(۲۲)، ۱۸-۱۰.
- کرمانی مامازندی، زهرا؛ رضایی، علی محمد. (۱۳۹۵). پیش‌بینی شادکامی زوجین بر اساس هوش معنوی و سبک‌های عشق‌ورزی: نقش واسطه‌ای سازگاری زناشویی. *پژوهشنامه روانشناسی مثبت*، ۲(۴)، ۷۹-۹۵.
- کریمی، مهسا؛ دنیوی، وحید؛ راه‌نجات، امیرمحسن؛ کیانی مقدم، امیرسام. (۱۳۹۶). رابطه معنویت‌گرایی با عشق‌ورزی و الگوی ارتباطی زوجین. *نشریه پرستار و پزشک در رزم*، ۵(۱۵)، ۴۴-۵۲.
- مهرنوش هدایتی. (۱۳۹۸). عشق به مثابه بلوغ مراقبتی نقدی بر نظریه مثلث عشق و ارائه رویکردی نوین به عشق در روابط زوجین. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۵(۴)، ۴۶۶-۴۳۷.
- Braithwaite, S., & Holt-Lunstad, J. (2017). Romantic relationships and mental health. *Current Opinion in Psychology*, 13, 120-125.
- Braithwaite, S., & Holt-Lunstad, J. (2017). Romantic relationships and mental health. *Current Opinion in Psychology*, 13, 120-125.
- Côté, S., Lopes, P. N., Salovey, P., & Miners, C. T. (2010). Emotional intelligence and leadership emergence in small groups. *The Leadership Quarterly*, 21(3), 496-508.
- Kuula, L., Partonen, T., & Pesonen, A. K. (2020). Emotions relating to romantic love—further disruptors of adolescent sleep. *Sleep health*, 6(2), 159-165.
- Moroń, M., & Biollik-Moroń, M. (2021). Trait emotional intelligence and emotional experiences during the COVID-19 pandemic outbreak in Poland: A daily diary study. *Personality and Individual Differences*, 168, 110348.
- Ogurlu, U. (2020). A meta-analytic review of emotional intelligence in gifted individuals: A multilevel analysis. *Personality and Individual Differences*, 171, 110503.
- Sprecher, S., & Metts, S. (2015). Romantic beliefs: Their influence on relationships and patterns of change over time. *Journal of Social and Personal Relationships*, 16(3), 834-851.

- Stavrova, O., & Ehlebracht, D. (2015). A longitudinal analysis of romantic relationship formation: The effect of prosocial behavior. *Social Psychological and Personality Science*, 6(5), 521-527.
- Watkins, N. K., Beckmeyer, Jonathon. J. (2019). Assessing Young Adults' Beliefs Regarding the Importance of Romantic Relationships. *Journal of Family Issues*, 41(2), 158-182.

